

«مقاله پژوهشی»

ابعاد معنایی عندیت در قرآن کریم در تبیین رابطه میان انسان و پروردگار

فاطمه قربانی لاکتراشانی^۱، عباس بخشنده بالی^۲

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه مازندران، مدرس مدعو گروه معارف دانشگاه

مازندران (نویسنده مسئول) f.qrb2017@gmail.com

۲. دانشیار گروه معارف دانشکده الهیات دانشگاه مازندران. a.bakhshandehbali@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

The semantic dimensions of "Indyyat" in the Holy Quran in explaining the relationship between man and Lord

Fatemeh Ghorbani¹, Abbas Bakhshande Bani²

1. Ph. D. of Ulum Quran and Hadith, Theology of Mazandaran University (responsible author)

f.qrb2017@gmail.com

2. Associate Professor of Islamic Teachings, Theology of Mazandaran University, Iran.

a.bakhshandehbali@umz.ac.ir

Abstract

The Holy Quran has used the "Enda" container with high used in its frequency to convey its meanings but in all, "prototypical meaning, this container encodes The concept of "near" cases, the use of this word in the Holy Quran is not limited to this meaning by being placed in different contexts, offers new semantic domains. The word "Enda" in expanding its meaning in the Holy Quran and in association with words such as "allah", "lord",.... Make the most important abstract and metaphysical categories in the word of God almighty understandable at the level of human perception. However, the lack of a correct understanding of God's purpose and the lack of attention to the context of the verses have caused some interpretive views to tend to similitude and embodiment. The present study has descriptively – analytically studies the semantic dimensions of the vessel "Enda" in the holy Quran. Some of the most important of them include divine Judgment, certainty of presence, divine attribution, closeness and zeal. In the end, it is concluded that by omitting the initial meaning of "Enda" which the physicality and limitation of the supreme being, other meaning do not contradict the intellect and revelatory teachings and will provide a correct reflection of abstract and non-sensory concepts to the audience.

Keywords: Holy Quran, Nearness to God, Place, "Inda", Endurance.

چکیده:

قرآن کریم جهت انتقال مفاهیم خود از ظرف «عند» با بسامد بالایی استفاده نموده است. این ظرف در معنای بیش نمونه‌های خود، مفهوم «تزد» را کدگذاری می‌نماید، اما در تمامی موارد کاربرد این واژه در قرآن کریم، محدود به این معنا نبوده و با قرارگیری در بافت‌های مختلف، وارد حوزه‌های معنایی جدیدی می‌گردد. واژه «عند» در گسترش معنایی خود در قرآن و در هم‌نشینی با واژگانی چون «الله»، «رب»... مهم‌ترین مقوله‌های انتزاعی و متافیزیکی مطرح در کلام خدای تعالی را در سطح ادراک انسانی قابل فهم می‌نماید. با این وجود، عدم درک صحیح از غرض خداوند و یا عدم توجه به واژگان هم‌نشین، سبب گزارش دهی‌های ناصحیح تفسیری می‌شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ابعاد معنایی ظرف «عند» در قرآن کریم پرداخته است. برخی از مهم‌ترین آنها شامل حکمیت و قضاوت الهی، قطعیت و حتمیت حضور، انتساب ربوبی و قرب می‌باشد. در پایان این نتیجه حاصل شده است که با صرف نظر کردن از معنای ابتدایی «عند» که موجب جسمانیت و محدودیت حق تعالی می‌باشد، سایر معانی، تناقضی با عقل و آموزه‌های وحیانی نداشته و بازتاب صحیحی از مفاهیم انتزاعی و غیرحسی به مخاطب ارائه خواهد داد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، قرب الهی، ظرف مکان، «عند»، عندیت.

۱- طرح مساله

«عند» به عنوان ظرف مکانی، تعبیری آشنا در ذهن و ادبیات انسانی است. «عند» علاوه بر ظرف مکانی، دارای کاربردهای معنایی دیگری در قرآن بوده و در نقش معنای واژگان مستقلی نیز ظاهر می‌شود و لذا در ادامه پژوهش تنها به عنوان یک ظرف مکانی صرف، تلقی نمی‌گردد. برخی فرقه‌های کلامی در اهل سنت چون اشاعره، این واژه را در قرآن کریم در همان معنای اولیه به کار گرفته و آن را در جسمانیت حق تعالی تعریف نموده و به آن حضور مکانی و زمانی منتسب نموده‌اند.

صدرالدین شیرازی در شرح اصول کافی غیر عقلانی بودن اعتقاد به مکان‌مندی و زمان‌مندی خدای تعالی را تبیین می‌کند. وی معتقد است اهل تجسیم، صورت خدای تعالی را مانند صورت انسان تصور می‌نمایند.

صورتی جسمانی که دارای حواس خمسّه بوده و دست، پا، بینی، چشم و دهان دارد. ملاصدرا در ادامه این ادعا را غیر عقلانی دانسته و معتقد است با این موارد خدای تعالی محدود می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶:

۵۴/۴-۵۵). بنا بر گفتار «قاضی نور الله مرعشی» در «*إحقاق الحق و إزهاق الباطل*» اشاعره با تمام عقلا در این مساله در تضاد و اختلاف هستند (مرعشی، ۱۴۰۹: ۱۲۸/۱).

سوالاتی که در این پژوهش مطرح می‌گردد، به قرار زیر است: ابعاد معنایی واژه «عند» در قرآن چه بوده است؟

کدام ابعاد معنایی آن در مفاهیم اعتقادی و الهی وارد می‌گردد؟ در آیاتی که واژه «عند» در رابطه میان انسان و خدا کاربرد می‌یابد، این مفهوم به چه معناست و چه ارتباطاتی با مفهوم نزدیکی به خدا دارد؟ آیا مفهوم عندیت، مجاورت فیزیکی را القاء می‌نماید؟ این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با در نظر گرفتن مدل‌های معنایی کاربرد یافته در قرآن کریم و توجه به تفاسیر فلسفی به این سؤالات پاسخ خواهد داد.

۱-۱ پیشینه پژوهش

با جستجوی کلیدواژه‌های «عند» و «عندیت» در مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتب تألیف شده، پژوهش مستقلی که به ابعاد معنایی این واژگان بپردازد، صورت نگرفته است.

۲- ابعاد معنایی «عند» در قرآن کریم

«عند»، ظرف مکان و زمان است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۹/۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۳۶/۸) و در معانی آنچه در نزد و حضور و یا در نزدیکی کسی است، استعمال می‌گردد (ابن هشام انصاری، بی‌تا: ۱۵۵/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۷/۳). «عند» می‌تواند به عنوان ظرفی برای معانی کاربرد داشته باشد (ابن هشام انصاری، بی‌تا: ۱۵۶/۱). این واژه در معنای نهایت قرب و نزدیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۹۰؛ سامرائی، ۲۰۰۰: ۲۱۳/۲؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۵۶/۵). ضمن اینکه این نزدیکی متضمن معنای مالکیت نیز باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۳۶/۸).

مورد توجه قرار گرفته است و لذا ارجاع معانی متصور از واژه «عند» در پژوهش پیش رو به طور غالب در کتاب مفردات راغب اصفهانی قابل پیجویی می‌باشد.

سایر معانی مورد استنباط بر اساس بافت متن و سیاق کلمات و رجوع به تفاسیر قابل دریافت می‌باشد. معنای پیش نمونه‌ای و اصلی «عند»، بر معنای «نزد» و «پیش» دلالت دارد. برای نمونه واژه «عند» در

همنشینی با واژگان دیگر در معنای دور یا نزدیک آمده و موقعیت انسان و یا هر پدیده دیگری را نسبت به سایر پدیده‌ها از جهت فاصله می‌سنجد و مفاهیم دور یا

نزدیک را تداعی می‌نماید. خداوند در آیه «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَرْبَبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِی عَیْنِ حَمِئَةٍ وَ وَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا» (کهف/ ۸۶) اشاره دارد که ذوالقرنین، قومی را در نزدیکی مکانی که خورشید درحال غروب بود، یافت و نزدیکی به آن منطقه مذکور در آیه با واژه

«عند» القاء گردیده است. این در حالی است که «عند» در قرآن با واژگانی چون «ربّ، الله و..» همنشین گشته و کاربردهای معنایی متعددی را در این همنشینی‌ها پذیرا می‌گردد.

همچنین در آیه شریفه دیگری نیز می‌فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّ بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (اعراف/ ۲۹) و این روی آوردن به سوی قبله، در مجاورت یک مسجد صورت می‌گیرد.

«لندن» نیز ظرف مکان و در معنای «عند» است (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۵۲/۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۸۳/۱۰).

واژه «لدی» در معنی «عند»، به عنوان ظرف مکان و گاهی که به ضمیر اضافه شود، به عنوان اسم زمان مورد کاربرد است (ابن منظور، ۱۴۰۴: ۲۴۵/۱۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۸۶/۶). در کتب لغت به تفاوت نزدیکی (قرب) و عند اشاره نشده است، اما در تفاوت «عند» و «لندن» آمده که «لندن»، اخصّ از «عند» بوده و غالباً در ابتدای جمله می‌آید و می‌تواند در جایگاه «عند» قرار گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۳۹).

«عند» هر زمان که با حرف جر «من» همراه می‌گردد، معنای جانب، سوی و ناحیه را داشته و عهده دار معنای «لندن» می‌گردد (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱۰/۳)، بنابراین کاربرد غالب معنای «عند» در معنای نزدیکی زمانی و یا مکانی است.

واژه «عند» در قرآن کریم به تنهایی و یا همراه با ضمایر (عندی، عندکم، عندنا و...) ۱۹۵ بار تکرار شده است (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۴۸۹). این واژه در کاربردهای قرآنی خود در ظرف مکانی، معنای حکم، بقا یا حتمیت

و نیز معانی چون قرب، علم، حساب، جانب و ناحیه (راغب، ۱۴۱۲: ۵۹۰؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۵۶/۵) مورد کاربرد قرار گرفته است. ضمن اینکه باید توجه داشت، بحث‌های کلامی قابل استنباط از آیات که در دوره‌های متأخر رشد و شکوفایی یافته است، و تبیین صفات الهی فوق را متضمن گشته است، کمتر در کتب لغوی متقدم

دیدگاه خود ادله‌ای را مطرح نموده‌اند که مورد قبول دیگر متکلمین و فلاسفه نمی‌باشد (رجوع کنید: حسینی طهرانی، ۱۴۲۶: ۱۶-۱۷/۵۴۵).

این‌ها برخی از ظاهرگرایانی هستند که معتقدند: «این آیات از متشابهاتی است که علمش تنها نزد خداست؛ سپس می‌گویند: آن‌ها را بر معنای ظاهریشان حمل می‌کنیم. چگونه چیزی که علمش نزد خداست، دارای معنای ظاهری است؟! و آیا معنای ظاهری استوا، غیر از نشستن است؟ و ظاهر نزول، غیر از انتقال است؟» (ابن جوزی، ۱۴۲۱: ۳۴). آن چه مورد اتفاق نظر امامیه و معتزله می‌باشد اینکه خدای تعالی در مکان و زمان قرار ندارد و جسمانی نیست؛ زیرا این دیدگاه مستلزم ضعف و نیازمندی در خداست. از سویی دیگر خدا را از قدیم بودن ساقط می‌کند و به محدث تبدیل خواهد نمود (حلی، ۱۴۲۶: ۱۵۴).

با توجه به وجود اشکالات قابل توجه در حمل واژه «عند» به معنای ظاهری آن مانند محدودیت حق تعالی و نیازمندی به غیر، شایسته است، معنای تأویلی درست آن تبیین شود.

۳- معنای تأویلی «عند»

واژه «عند» در آیات قرآن، علاوه بر معنای ابتدائی «عند»، دارای کاربردهای متنوعی است که در ادامه مورد بحث و تبیین قرار خواهد گرفت:

۳-۱ بازتاب معنایی صفات الهی

در آیات زیر، واژه «عند» عهده دار معنایی با کارکرد نزدیکی و مجاورت است. در آیات «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى» (نجم/۱۴-۱۵)، با کمک واژه «عند» در آیه اول، نشانی می‌دهد که حضرت رسول (ص) در کنار درخت سدرالمنتهی در بهشت (جَنَّة) قرار خواهند گرفت. مشابه آن در آیه «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى» (نازعات/۴۰-۴۱) نیز قابل ملاحظه است.

متاسفانه برخی فرقه‌های کلامی، «عندیت» را در معنای فیزیکی و جسمانی‌اش در نظر گرفته‌اند. به عنوان نمونه، ابن تیمیه آیات صفات را تفسیر جسمانی کرده و نسبت به آیاتی که ذات خداوند را از جسمانیت منزّه ساخته، بی‌اعتنایی نموده که این روش اهل حدیث و مشبهه و حشویه است (امین، ۱۳۸۷: ۱۴). وی معتقد است که آیات متشابه در قرآن وجود نداشته و تمام آیات قرآن از محکّمات بوده و تشابه امری نسبی است (رضوانی، ۱۳۸۶: ۲۱). در حالی که در قرآن به تصریح آمده: «او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد که قسمتی از آن، آیات محکم است که اساس این کتاب می‌باشد و قسمتی از آن، متشابه است (آل عمران/۷).

در فرقه «مجسمه» این اتفاق نظر وجود دارد که خدای تعالی در جهتی وجود دارد. از سویی دیگر، فرقه «کرامیه» جهت فوق را برای خدای تعالی در نظر می‌گیرند (شهیداول، ۱۴۲۲: ۲۴۹). اشاعره نیز معتقد به جسمانی بودن خداوند متعال است. ایشان برای اثبات

دارد چه از نظر حد جسمانیت و چه از لحاظ سعه و قدر و بهره وجودی آن و موجود خارجی که جزء نظام هستی است، محال است دارای حد مشخص و بهره معین نباشد (رجوع کنید: ابن عربی، ۱۴۲۲: ۳۳۷/۱؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۹/ ۱۷۵). از این رو اثر کاربرد کلمه «عِنْدَهُ» می‌تواند این باشد که در نظام ربوبیت، هر موجودی قدر و اندازه مشخصی دارد و در همه مراحل در نزد پروردگار حاضر و از او جداناپذیر است. آیه بعدی در سیاق این مفهوم و موید آن است که می‌فرماید: «عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» (رعد/۹) که بر غیب و نهان آگاهی داشته و تاکید بر معنای آیه گذشته است و لذا کاربرد «عند» در این آیه می‌تواند حامل معنای صفاتی چون علم، مشیت و احاطه پروردگار باشد.

در آیه شریفه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر/۲۱)، عبارت «عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ»، دلالت بر ثبات و غیرمتغیر بودن خزائن دارد، زیرا «مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (نحل/۹۶) و جایگاه آن فوق عالم مشهود است. اگرچه حقیقت‌شان بر ما مکتشف نیست (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۰۶/۱۲). تمام این مفاهیم بر علم، آگاهی و اشراف خداوند بر موجودات عالم دلالت دارد.

در آیه شریفه‌ای دیگری آمده است: «قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَ عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیْظٌ» (ق/۴). در عبارت «عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیْظٌ» یعنی نزد ما کتابی است که حافظ هر چیز است، بلکه آثار و احوال هر چیزی را هم ضبط می‌کند و یا معنایش این است که: «نزد ما کتابی است

واژه «عند» در برخی آیات حامل معنای صفات الهی است؛ برای نمونه در برخی آیات، از برآیند همنشینی این واژه با سایر واژگان، مفهوم «علم، اراده، مالکیت، احاطه و مشیت» استنباط می‌شود. ضمن اینکه در کتب لغت نیز به این بعد معنایی اشاره شده است (راغب، ۱۴۱۲: ۵۹۰؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۵۶/۵). خداوند در قرآن می‌فرماید: «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَ مَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَ مَا تَزَادُ وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (رعد/۸) در این آیه مراد از «عند»، علم خداوندی است (راغب، ۱۴۱۲: ۵۹۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۱۳۳).

در ابتدای آیه خداوند به علم خود اشاره دارد (اللَّهُ يَعْلَمُ) که به خفی‌ترین چیزهایی که سایر انسان‌ها از آن غیرمطلع بوده و راهی به علم به آن ندارند، آگاه است، مانند آنکه کدام جنین دقیقاً در چه زمانی متولد خواهد شد و یا اینکه آیا فرزند زودتر و یا دیرتر از موعد مقرر به دنیا خواهد آمد (بلخی، ۱۴۲۳: ۳۶۹/۲؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۵/۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۱۳۴) و یا اینکه جنسیت فرزند پسر و یا دختر است و یا ذرات خون که طبیعت آنرا برای غذای جنین به رحم می‌ریزد و یا ذرات خونی که زیاده بر نیاز جنین است.

در آیه «وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» شیء صفت مشبیه به معنای مفعول و خواسته و مصدر آن مشیت است. یعنی خواسته‌ای است که در نظام جهان عضویت و جزئیت دارد و هر موجود و خواسته‌ای حد و مرزی از هستی

زمین، ظلمت و روشن گردانیدن آنها به نور، وجود شما بنی آدم را از گل آفریدم و در عالم قضاء و دفتر آفرینش برای حیات دنیوی شما مدت قرار دادم (ابن عاشور، بی تا: ۱۴/۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۶۷/۲؛ امین، ۱۳۶۱: ۶/۵). این آیات با اشاره به خلقت آسمان و زمین و نیز خلقت انسان و تعیین زمان مرگ او که تنها خداوند به آن آگاه و مطلع است، علم الهی را موضوع قرار داده و واژه «عندنا» عهده دار این معناست. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸۴/۴؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۹۶/۲).

همچنین طبق نظر برخی تفاسیر، در آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر / ۲۱) واژه «عندنا» بازتاب معنای علم و اراده الهی بوده (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۷۶/۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۵۴/۹) و در تقدیر معنای «عند علمنا» می باشد. مفاد (عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ) آن است که همه موجودات صحنه هستی پرتو و نمونه‌ای از آثار و نظام ربوبی بوده و مسطوره‌ای از علم و اراده پروردگار است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۰۹/۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۴/۱۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۵۵/۹). طبق عبارت «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» هر موجودی قبل از ورود به این عالم، مورد تقدیر علم و احاطه پروردگار بوده و هریک از آفریده‌ها، شئونی از علم الهی است.

در آیه شریفه «وَاقْسُمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لِيَنْ جَاءَهُمْ عَآيَةُ لِيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَأَيُّؤْمِنُونَ» (انعام/ ۱۰۹) صاحب و مالکیت

که خود آن کتاب محفوظ است و حوادث، آن را دچار دگرگونی و تحریف نمی‌کند.» (طبری، ۱۴۱۲: ۹۴/۲۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵۰۷/۱۸).
در حقیقت «عندنا» اشاره به علم پروردگار دارد که در آن تفصیل اشیاء آمده و از تغییر محفوظ است و لذا مفهوم مورد تأکید آیه، علم خداوند است (طبری، ۱۴۱۲: ۹۴/۲۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۲۵/۱۳). بنابراین در این آیه، عبارت «عندنا» می‌تواند در تقدیر «عند علمنا» و بازتاب مفهوم علم الهی باشد.

در آیه «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام/ ۵۹)، عبارت «وَ عِنْدَهُ» در اشاره به علم الهی به عالم غیب است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۶۵/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۲/۴) و بیان می‌دارد که تنها خدای سبحان است که عالم به آن بوده و علمش شامل هر چیزی است و کسی جز خدا به آن خزینه‌ها و یا به گشودن درهایش دسترسی ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۲۴/۷).

خداوند در نمونه‌ای دیگر در قرآن کریم می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يُعَدُّونَ * هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ» (انعام/ ۲-۳). طبق آیات، ذات احدیت در مقام معرفی خود برآمده که پس از آفرینش آسمان‌ها و

طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۱۷۹). همنشینی «عند» و «بارئکم»، اعلام می‌دارد که خداوند در حکمی از احکام خود، این اعمال را خیر برمی‌شمارد.

در آیه «وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ» (بقره/ ۲۱۷) اعلام شده است که بیرون راندن اهل مسجدالحرام از آنجا، در حکم الهی، گناهی بزرگتر دانسته شده است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲/۲۰۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۲۵۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱/۵۰۴؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۲/۳۹۰).

در عبارت «وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ» جمله اول، مبتداء و لفظ اکبر خبر است و مقصود آیه آنست که با وجود آنکه اجداد و نیاکان رسول اکرم (ص) از افتخارات مکه بوده و در آن سکونت داشتند، ایشان را به جهت عنادی که با حضرتش در اجرای امر رسالت داشتند، از وطن خویش آواره نمودند. رسول خدا (ص) درصدد بودند تا شعار توحید و اعمال حج را در حرم پروردگار به جا آورده و این محل را مرکز نشر دین قرار داده و از لوٹ بت‌پرستی پاک نماید، اما کفار قریش، ایشان را از این نعمت محروم داشته و او و یارانش را از آن دیار بیرون راندند. این عمل ایشان در حکم الهی نزد خدا بسیار بزرگتر است از آن عملی که اصحاب رسول الله (ص) کرده‌اند که به گمان اینکه آخر جمادی الاول است تیر زدند و عمرو بن خضرمی را کشتند و نیز فساد کفار بزرگتر از قتل است (امین، ۱۳۶۱: ۲/۲۸۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲/۱۹۴).

معجزات از آن خداوند دانسته شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۰۹/۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۷/۳۱۹). در این آیه کفار و مشرکین به خداوند قسم یاد می‌نمودند که اگر برای ما آیتی و معجزه‌ای مثل انبیای گذشته پیش آید، ایمان می‌آوریم، در اینجا به رسولش امر فرموده که بگو آیات نزد خدا است، بدین معنا که خدای تعالی به همه نوع و همه اقسام معجزات قدرت دارد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴/۲۳۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲/۶۶؛ امین، ۱۳۶۱: ۵/۱۱۲). بنابراین می‌توان گفت که مالکیت و قدرت از دیگر مفاهیم قابل استنباط از واژه «عند» در آیات است.

۲-۳ حکمیت الهی

یکی از معانی قطعی قابل برداشت از آیات قرآن که در همنشینی واژه «عند» با سایر واژگان قابل استنباط است، مفهوم حکمیت و قضاوت الهی دارد. راغب نیز یکی از ابعاد معنایی «عند» را قضاوت الهی دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۹۰). در حقیقت با توجه به بافت متن و سیاق واژگانی، امکان دریافت معنای جدیدی غیر از معنای پیش نمونه‌ای وجود دارد (صفوی، ۱۳۹۳: ۱۹۶) که در آیه زیر «عند» عهده دار این مسئولیت است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَيَّ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ» (بقره/ ۵۴) آیه اشاره به حکمی دارد که درباره موضوع آیه صادر می‌گردد (رجوع کنید:

معنای استعاری قضاوت کردن خداوند، از دیگر مفاهیم قابل استنباط از واژه «عند» می‌باشد. برای نمونه در آیه «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (کهف/۴۶) «خیر» صفت مشبیه و در معنای سعه وجودی ایمان و تقوی و اعمال صالحه است که زمینه ساز راه سعادت بشر معرفی گشته است.

طبق تفاسیر اعمال آدمی برای او باقی مانده و در نزد خدا ثواب بهتری دارد، چون خدای تعالی در قبال آن، جزای خیر می‌دهد و آنچه از رحمت و کرامت خدا در برابر آن عمل، انتظار می‌رود، بودن کم و کاست به آدمی می‌رسد. در این آیه، دو مقوله زینت‌های دنیوی یا باقیات صالحات مورد مقایسه قرار گرفته و خداوند اعلام می‌دارد که یکی بر دیگری دارای برتری و ارزشمندی است و بدون شک، نتیجه این مقایسه در قیامت و سرای دیگر که محل اجرای عدالت الهی و برقراری حکم پروردگار است، زمینه تحقق و بروز می‌یابد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۱۹/۱۳).

بنابراین از سیاق کلمات و موازنه و مقایسه‌ای که در آیه در دو مقوله خیر دنیا و آخرت صورت داده شده است، می‌توان حکم نهایی خداوند را در خصوص دریافت. در نمونه‌ای دیگر و در آیه «وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا» (احزاب/۵۳) مفهوم قضاوت و حکم خداوند در تقدیر واژه «عند» قرار گرفته است.

این آیه به حکمی در ارتباط با عدم ازدواج مسلمانان بعد از مرگ رسول خدا (ص) اشاره دارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۵۶/۳). واژه «ذَلِكُمْ» اشاره بر حکم اعلامی «وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا» داشته و در اینجا «عِنْدَ اللَّهِ» در تقدیر «عِنْدَ حُكْمِ اللَّهِ» می‌باشد.

در آیه «أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/۵) خداوند، مسائل و موضوعاتی را مطرح نموده و آن را در همان میزان مفروض ذهنی بشر، به تعادل و توازن، نزدیک برمی‌شمارد.

آیه می‌فرماید که ایشان را به [نام] پدرانشان بخوانید، که این نزد خدا عادلانه‌تر است، و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید پس برادران دینی و موالی شمایند، و در آنچه اشتباهاً مرتکب آن شده‌اید بر شما گناهی نیست. در عبارت «هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ» وقتی از واژه «قسط» استفاده نموده و مقوله عدالت را مطرح می‌نماید، در حقیقت به قضاوت و حکمی اشاره دارد که باید در آن مقوله عدالت رعایت گردد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۵۲۸).

همچنین در آیه «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (انفال/۲۲) خداوند اعلام می‌دارد که بدترین جنبندها در حکم و قضاوت الهی، کران و لالانی‌اند که نمی‌اندیشند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵/۱۷۶) زیرا ایشان اهل تعقل نیستند و به جهت فرو رفتن در شهوات

معنای حکم و قضاوت الهی در امور مختلف است نه به معنای حضور جسمانی نزد خدا که ظاهری است.

۳-۳ قطعیت و حتمیت حضور

یکی از ابعاد معنایی که از عبارات «عندالله» یا «عند رب» قابل استنباط است، حتمیتی است که در فحوای کلام موجود است. این حتمیت حتی در آیاتی که در حکم و قضاوت الهی مطرح شد نیز قابل دریافت است، زیرا حکم الهی خلافی ندارد و با قطعیت صادر و اجرا می‌گردد. ظرف «عند» در کاربردهای مختلف خود حامل معنای بقاء و حتمیت بوده است که تنها در کتاب قاموس قرآن به اشاره شده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۵۶/۵). برای نمونه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّبِيْنَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۶۲) عبارت «عند رَبِّهِمْ» در معنای عنایت مکانی نبوده و آن محالی است که در خدا راه ندارد؛ بلکه اجر ایشان امر متیقنی است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۵۳۷/۳) که نزد خداوند ضایع نشده و محفوظ است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۸۱/۱) و معنای حتمیت حفظ ثواب در این قول وجود دارد (قرشی، ۱۳۷۱: ۵۶/۵). در این آیه «عند» بار معنایی محفوظیت اجر و ثواب در نزد پروردگار را داراست، بنابراین می‌توان در این نوع از آیات که به‌طور معمول اشاره به اجر و ثوابی حتمی از جانب خداوند دارد، با معادلی اضافه این حتمیت و محفوظیت اعلام گردد. در

و خواسته‌های نفسانی، قدرت تمیز حق از باطل را از دست داده‌اند.

در آیه «قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره/۷۶) می‌توان گفت که تقدیر «عند» در واقع، «عِنْدَ حُكْمِ رَبِّكُمْ» و نظیر آن باشد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۰۱/۱). یکی از انحصاری‌ترین حقوق خداوند متعال، حق حاکمیت مطلق است. معنای درست «عند» در آیات فوق همین معناست و چون او مالک حقیقی جهان و انسان است، حق حکمیت و قضاوت دارد. در قرآن کریم چنین تصریح شده است: «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ملک/۱) و یا «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فاطر/۱). طبق آیه اول سوره ملک، پادشاهی، مالکیت و حکومت مطلق از آن پروردگار متعال است و نیز در آیه اول سوره فاطر، از آن جهت خداوند «فاطر» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۱۷/۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۴: ۵۵/۵) خوانده شده است، زیرا اولین کسی است که انسان را خلق و انشاء نمود (ابن منظور، ۱۴۰۴: ۵۵/۵) و لذا نسبت به آن مالکیت دارد. طبق این استدلال، مالک حقیقی جهان و انسان، خداست.

لذا حق حکم و قضاوت در میان انسان و جهان نیز از آن اوست. به همین دلیل است که یکی از «معانی «عندالله»، «فی کتاب الله» است» (طبرسی، ۱۳۷۵: ۱۱۱/۱). چنان که گفته می‌شود فلان چیز نزد خدا حلال است یعنی در کتاب خدا حلال شده است. این به

آیه «ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۶) نیز اگرچه واژه «باق» حامل معنای بقاست، اما با اضافه به «عند الله» این انتساب و محفوظیت بیشتر قابل لمس است. مانند آنکه به فردی گفته شود: «فرزندت نزد ماست، خیالت راحت باشد.» این آیه و آیه قبل به حتمیت حفظ اجر و ثواب مومنان و صابران در نزد پروردگار اشاره می‌نماید و اضافه آن به «عند» بهترین کاربرد در انتقال این معناست.

رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ» (أنعام/۱۲۴) حتمیت سزای عمل مجرمان نیز با واژه «عند» بیان شده است. طبق وعده قرآن، این مردم بهانه‌جو و مغرور که با دعوت پیامبر اسلام (ص) مبارزه نمودند، هنگام رستاخیز نیز به حسرت‌ها و شعله‌های آتشین عقوبت خواهند شد (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۴۰۲/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۹/۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۵۱۹/۶).

در آیه شریفه دیگری که به مفهوم نتیجه عمل صالح اشاره دارد، می‌فرماید: «وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۱۱۰) و نیز آیاتی که در آنها خداوند در آن به اجر و ثوابی در آخرت و در نزد او «عِنْدَ رَبِّهِمْ» اشاره دارد، مفهومی از جاودانگی اجر و نیز حتمیت حضور نتیجه عملی که فرستاده شده است را با خود به همراه دارد (قرشی، ۱۳۷۱: ۵۶/۵)؛ زیرا بنده ثواب عملش را در نزد خداوند سبحان می‌یابد. (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۷۶/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۷/۱؛ ابن عاشور، بی‌تا، ۶۵۴/۱) و آنچه از اعمال خیر و افعال نیکو پیش فرستاده، برای پس از مرگ خود نزد خدا محفوظ می‌داند (رجوع کنید: حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۱).

۳-۴ انتساب ربوبی

در برخی آیات، خداوند متعال در صدد انتساب برخی مسائل به خود می‌باشد و در این مورد، حتی مفاهیم جانب و ناحیه نیز به خوبی قابل استنباط خواهد بود. در آیات ذیل یک مقوله و یا پدیده‌ای ثابت فرض شده و مقوله یا پدیده‌ای دوم متحرک بوده و به سمت و جهتی حرکت می‌نماید که در غالب موارد، در حالت نزول از بالا به پایین می‌باشد، مانند آیه «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (بقره/۸۹) که در آن با تعظیم و تشریف آن را از جانب خداوند همراه است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۱۹/۱). و یا در آیه «وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُونُ أَسْتِنْتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران/۷۸)

لازم به ذکر است که این حتمیت در آیاتی که سزای عمل مجرمان را وعده می‌دهد، نیز وجود دارد. در آیه «إِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتَى

منزلت معنوی انسان دارد (قربانی، حسینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

از آیاتی که شامل «عند، عندک، عندنا و...» بوده و به مفهوم قرب و نزدیکی است، می‌توان به نمونه زیر اشاره نمود که می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرِعُونَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم/۱۱) در این آیه حضرت آسیه (س) به عنوان الگوی ایمان معرفی شده و به درخواست او از خداوند در داشتن خانه‌ای در بهشت اشاره می‌گردد. از آنجا که خداوند منزله از داشتن مکان است، می‌توان دریافت که منظور آسیه، درخواست جایگاه و درجه‌ای عالی در بهشت است (طوسی، بی‌تا، ۵۳/۱۰؛ نسفی، ۱۳۶۷: ۲۷۳/۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۵۷۶). مرحله‌ای که در آن رضایت الهی تحقق می‌یابد. در این آیه طبق نظر تفاسیر «عند» به معنای همان نزدیکی به رحمت الهی (الوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۸/۱۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۴۴/۱۹؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۲۱۶/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰۳/۲۴) بوده و اشاره به قربی از نوع درجه‌ای بالا در بهشت دارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۷۲/۴). آسیه از ساحت کبریائی درخواست می‌نماید که منزلی جوار رحمت و فضل خود برای او مقرر فرماید که نتیجه قرب معنوی و فضیلت و شهادت او در راه خدا پرستی است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۲۶/۵؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴۷۲/۱۶).

واژه «عند» با ایجاد ارتباط بین «هُوَ» و «اللَّهُ»، مفهوم جانب و ناحیه را القاء می‌نماید.

در تفاوت معنای پیش‌نمونه «عند» و این معنای جدید باید گفت که در این معنا، حرکت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر به شکل نزولی و از جانب پروردگار مورد تأکید است در حالی که در معنای پیش‌نمونه، ضرورتاً حرکتی در میان نبوده و تنها مفید معنای همراه بودن و مجاور بودن است. ذکر این نکته ضروری است که حرف جر «مِن» نقش مهمی در انتقال این مفهوم از واژه «عند» را داراست و به مبدأ و مقصد اشاره دارد. معنای انتساب در آیه مورد نظر به صورت اجماعی مورد توافق مفسران است «أَي يَنْسِبُونَهُ إِلَى اللَّهِ» (صابونی، ۱۴۲۱: ۱۹۳/۱). طبرسی در ذیل آیه فوق به این انتساب اشاره صریح می‌نماید (رجوع کنید: طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۸۰/۲). بنابراین، انتساب ربوبی یکی از معانی «عند» است که به جای معنای ظاهری که موجب مکان مندی و زمان مندی حق تعالی می‌شود باید مدنظر قرار گیرد. در غیر این صورت، محدودیت‌های مختلف عقلی برای حق تعالی در نظر گرفته می‌شود که با غنی مطلق منافات دارد.

۳-۵ قرب و زلفی

یکی از ابعاد معنایی «عند» در قرآن «قرب» است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۲/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۹۰). علاوه بر نزدیکی تجربی و حسی، واژه «عند» در معنای قرب به‌کار رفته است که اشاره به مقام و

حضورند که چه بسا منطبق با ملائکه مقرب بوده (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۴/۲۶۴) و به کرامت و جایگاه و منزلت ایشان اشاره دارد. طبق نظر راغب نیز «عند»، برای قرب و نزدیکی وضع شده و شامل قرب مادی و معنوی می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۹۰).

در آیات «وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ» (ص/۴۰) و «فَعَفَرْنَا لَهُ ذَلِكُمْ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ» (ص/۲۵) واژه «زلفی» با «عندنا» هم‌نشین شده و از این هم‌نشینی معنای قرب قابل استنباط خواهد بود. «زلفی» که در مفهوم نزدیکی و منزلت آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۱/۳) و در معنای مقدم گشتن و نزدیک شدن بوده، در مفهوم تقرّب و منزلت نیز به‌کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷/۳۶۸). اصل زلفی در کلام عرب، قریبی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۸۲). این ماده و مشتقات آن در ده آیه از قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته‌اند و همگی در معنای نزدیکی می‌باشند. در قرآن کاربرد این واژه به شکل مصدری و در معنای نزدیکی و تقرّب بوده و به شکل اسم مصدر در معنای منزلت کاربرد یافته است.

همچنین در آیه ۱۴ آل عمران «زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» نیز «عند» با «حسن مآب» در رابطه هم‌نشینی است. آیات (ص/۲۵) و (ص/۴۰)، حامل این نکته است که جایگاه

همچنین آیاتی که شهداء را زنده و در قرب الهی معرفی می‌نماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران / ۱۶۹). مجاورت در این آیه نه به معنای مکانی و نه به معنای علم و قضاوت خداوند است. این مجاورت به معنای قرب و از نوع رتبه و درجه بوده می‌باشد (آلوسی، ۱۴۱۶: ۲/۳۳۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۴۴۰).

در نمونه‌ای دیگر آمده است: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَعْدِنِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر/۵۴-۵۵) نکته‌ای که از این آیات قابل استنتاج است، آنکه آنجا جایگاه صدق است و هیچ گونه باطل و بیهودگی در آن راه ندارد، دیگر اینکه در جوار و قرب خدا است. همان چیزی که از کلمه «عند» استفاده می‌شود که اشاره به نهایت قرب و نزدیکی معنوی است نه جسمانی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴/۹۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۹/۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳/۸۱). در آیات فوق، ممکن است مراد از صدق این باشد که مقام متقین و هر چه در آن مقام دارند، صدقی خالص و نیامیخته با کذب است، و حضوری نیامیخته با غیبت بوده و قریبی است که بُعدی به همراه ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۴۶). و در اشاره به بالاترین درجه و بهترین جایگاه سعادت است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۴۴۲).

و نیز در آیه «وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ» (انبیاء / ۱۹) مقصود از عبارت «وَمَنْ عِنْدَهُ» خاصان به موهبت قرب و

بنابراین، غایت آنچه به عنوان قرب مطرح می‌گردد، در آیات قرآن در مفاهیمی چون سعادت در بهشت جاویدان و کسب رضایت پروردگار و فلاح و پیروزی و عنداللهی ظهور و بروز می‌یابد. این مفاهیم در عباراتی چون حسن مأب نیز مطرح گردیده‌است.

همچنین از آثار و نتایج عندالله بودن، رهایی از حزن و اندوه، غفران الهی و در نهایت مأجور بودن در نزد پروردگار است که همه این موارد در بهشت مهبیاست و عاید کسانی می‌شود که تسلیم محض فرمان حق بوده و در مرحله بعد، آثار این ایمان، در عمل آنها به صورت انجام کار نیک منعکس می‌گردد. غفران الهی طبق آیه، مقامی است که در آن گناهان بنده با تجلی صفت غافر، بخشیده خواهد شد و همچنین طبق آیات قرآن، مفاتیح الغیب، کتاب حفیظ، خزائن الهی با عند مرتبط دانسته شده است که می‌تواند به علم الهی اشاره داشته و موارد فوق مصادیقی از مقام «عند» باشد. همچنین خانه حضرت آسیه (س) که با منزلت «عندک» طلب شده است، می‌تواند به مقامی اشاره نماید که منعکس کننده مقام قرب باشد. ضمن آنکه عبارت «مقعد صدق»، در توصیف جایگاه پرهیزکاران در آخرت بوده و در آن بهبودگی راه نداشته و به تمام وعده‌های الهی درباره مأجور بودن در بهشت برین، جامه عمل پوشانده می‌شود. این جایگاه در جوار و قرب خدا است و با واژه «عند» تجلی یافته است. اگرچه این مقام از صدیقین توسط برخی تفاسیر عرفانی چون مخزن العرفان در

«حسن مأب» بر قربی ویژه دلالت دارد، و لذا عنایت مورد اشاره در آیه (آل عمران/۱۴)، جانشینی برای واژه «زلفی» است و «عنده» به همان مقام قرب اشاره می‌نماید.

به همین شکل در آیه «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِآتِي تَقْرُبِكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ» (سبأ/۳۷) عبارت «عِنْدَنَا زُلْفَىٰ» در حقیقت غایتی از قرب محسوب می‌گردد. طبق آیه، اموال و اولاد سبب تقرّب نیست و تقوا محلی برای قرب به سوی خداوند است که انسان را به اندازه زلفی (قرب) به خداوند نزدیک می‌سازد و اموال هیچ کسی سبب تقرّب او به خدا نمی‌گردد؛ مگر مؤمن صالحی که در راه خدا اتفاق کند و اولاد نیز باعث تقرّب نمی‌گردند، مگر اینکه کار خیری انجام دهند و یا تفقهی در دین نمایند و از این اولاد به نیکی و طاعت یاد کنند. با این مفهوم، «عند» در همنشینی زلفی، بازتاب معنای قرب می‌باشد.

همچنین طبق آیات قرآن کریم، کسب مقام «عنداللهی» از طریق تسلیم و رضای خداوند ایجاد می‌گردد:

«بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۱۱۲)؛ انسان در تسلیم، اجر او در نزد خداوند بوده و غم و غصه و اضطرابی ندارد. منزلت و موقعیت «عند» که در تعبیر بزرگان برای مقربان لحاظ شده است، در آیه «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر/۵۵) تجلی یافته است.

تفسیر قرآن، مقام وحدت ذاتیه حق (امین، ۱۳۶۱):
 ۴۵۰/۱۳ دانسته شده است.

معنای دقیق «عند» در آیات فوق را جناب طبرسی مانند دیگر اندیشمندان اسلامی به دقت تصریح کرده‌اند: «نزد خدا بودن، یعنی در مقامی قرار دارند که هیچکس جز خداوند نفع و ضرر ایشان را بدست نداشته و مراد از عند و نزد خدا مکان (محسوس) و نزدیکی مسافت نیست زیرا مکان و قرب مسافت از صفات اجسام است و بر خدا محال می‌باشد» (طبرسی، ۱۳۷۵: ۸۸۳/۲).

اگرچه برخی آن را در معنای مکانی و زمانی (فیزیکی) اطلاق نموده‌اند.

حال آنکه این موارد، از صفات اجسام خواهد بود که ناروا بر حق تعالی است. «و لیس المراد بذلک قرب المسافه لأن ذلک من صفة الأجسام و ذلک مستحيل علی الله تعالی»؛ (دخیل، ۱۴۲۲: ۹۶) با توجه به بُعد متافیزیکی حق تعالی، قرب الهی نیز باید به درستی معنا شود. برای رسیدن به قرب الهی، نباید مسافتی را پیمود بلکه باید مسیر روحانی و یا عرفانی را مدنظر قرار داده و برنامه ریزی کرد. پس واسطه‌هایی که بین بدن انسان و خداوند سبحان است بر اساس ترتب حدود ذاتی آنهاست؛ پس انسان در سیر خویش به سوی خداوند سبحان ناگزیر است که از همه مراتب افعال و اسماء و ذوات عبور کند تا اینکه به مقام‌های سه‌گانه توحیدی یعنی توحید فعلی، اسمی و ذاتی نائل گردد (طباطبایی، ۱۴۲۳: ۱۱۳).

نکته دیگر اینکه قرب الهی دارای مراتبی است. موجودات در اصل آفرینش به هر نسبت که از وجودی کامل‌تر - یعنی از وجودی قوی‌تر و شدیدتر - بهره‌مند هستند، به ذات الهی که وجود محض و کمال صرف است نزدیکترند. طبعاً فرشتگان از جمادات و نباتات به خداوند نزدیکترند و به همین جهت بعضی از فرشتگان از بعضی دیگر مقرب‌ترند، بعضی حاکم و مطاع بعضی دیگر می‌باشند؛ و البته این تفاوت مراتب قرب و بعد مربوط به اصل خلقت و به اصطلاح مربوط به قوس نزول است (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۹۲/۳).

به عبارتی دیگر، قرب مانند ایمان، تقوی و برّ دارای مراتب است و چنین نیست که هم مقربان در یک رتبه و درجه باشند (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۳۵). انسان عارف میان بعد مسافت و قرب الهی بدون پیمودن مسافت جمع می‌کند و با علم حضوری به قرب الهی نائل می‌شود. این معنای حقیقی قرب الهی است. بنابراین بکارگیری معنای ظاهری «عند» که برخی فرقه‌های اهل سنت بدان استناد نموده‌اند، با توجه به سیاق واژگانی و نیز فحوای آیات مورد انتقاد و تعارض قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

معانی استعاری از واژه «عند» در قرآن از تنوع کاربرد برخوردار بوده و به استناد منابع لغوی، این واژه نقش مهمی را در تفهیم غرض خداوند متعال ایفاء نموده است. «عند» در معنای پیش نمونه‌ای خود به عنوان یک

- ظرف مورد استفاده قرار گرفته و در مجاورت با هر واژه ای، بر ارتباط شدید با آن تاکید می‌نماید و لذا لزوماً کاربرد آن تنها در معنای ظرفی آن نمی‌باشد. در قرآن نیز این واژه در رابطه میان پروردگار و انسان و نیز سایر ابعاد معنایی مورد استفاده قرار گرفته است.
- فرقه‌هایی چون اشاعره، واژه «عند» را بر اساس همان دیدگاه‌های کلامی خود تعریف و ارائه نموده و برای حق تعالی جسمانیت قائل بوده و او را در هندسه مکان و زمان تعریف نموده‌اند که این دیدگاه توسط اندیشمندان مختلف علوم عقلی و نقلی با دلائل مختلف رد شده است.
- از ابعاد معنایی که از کاربردهای مختلف واژه عند در قرآن کریم قابل استنباط است، می‌توان به حکمیت و قضاوت الهی، قطعیت و حتمیت حضور، انتساب ربوبی، قرب و زلفی و صفات الهی چون علم و قدرت اشاره نمود. این معانی همگی در یک شبکه و فضای مفهومی قرار دارند.
- خداوند با صفت علم خود بر موجودات و اعمال انسان‌ها، احکامی را صادر نموده و مسائلی را در تقدیر امر خود قرار می‌دهد که از حتمیت برخوردار بوده و وعده او در حضور اعمال انسان و حفظ آن در نزد پروردگار قطعی می‌باشد. تمام این امور و مواردی که در زیر شمول این بحث قرار می‌گیرد، به خداوند منتسب است. همچنین مقام عنایت که در قرآن با الفاظی چون قرب و زلفی کاربرد یافته، بالاترین منزلتی است که
- قرآن به مؤمنین وعده می‌دهد و بزرگانی چون آسیه آن را طلب نموده و شهداء در آن مستقر می‌باشند. هرگونه برداشت فیزیکی از مساله می‌تواند منجر به تشبیه و تجسیم در حوزه الوهیت گردد که این باور به شدت در آیات مختلف مورد نهي قرار گرفته است.
- کتابنامه:
- قرآن کریم. فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۵ ق). قم: ناشر دارالقرآن الکریم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ ق). دفع تشبیه التشبیه. تحقیق حسن السقاف، عمان: دارالامام النووی.
- امین، سیده نصرت (۱۳۶۱ ش). مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- امین، محسن، ۱۳۸۷ ش (کشف الارتیاب). ترجمه ابراهیم سید علوی. تهران: نشر امیرکبیر.
- اندلسی، ابوحنیف محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا). التحریر و التنویر. بی‌جا: بی‌نا.
- ابن عجیبه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ ق). البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید. قاهره: ناشر دکتتر حسن عباس زکی.

- ابن عربی، ابو عبدالله محیی الدین محمد (۱۴۲۲ ق). *تفسیر ابن عربی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق غالب (۱۴۲۲ ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*. مصحح: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- ابن هشام انصاری، أبی محمد عبدالله جمال الدین (بی تا). *معنی اللیب*. بیروت: منشورات مکتبه الصادق للمطبوعات.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- دخیل، علی محمد علی (۱۴۲۲ ق). *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. ج دوم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶ ش). *تقدی بر افکار ابن تیمیه*. تهران: نشر مشعر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۲۶ ش). *امام شناسی*. مشهد: نشر علامه طباطبایی.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴ ق). *انوار درخشان*. تهران: کتابفروشی لطفی.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۶ ق). *تسلیک النفس الی حظیره القدس*. تحقیق فاطمه رمضان، قم: موسسه الامام الصادق (ع).
- سامرائی، فاضل صالح (۲۰۰۰ م). *معانی النحو*. بیروت: دارالفکر.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۲۲ ق). *أربع رسائل کلامیه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صابونی، محمد علی (۱۴۲۱ ق). *صفوة التفاسیر*. بیروت: دارالفکر.
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۶ ش). *شرح أصول الکافی لصدر المتألهین*. تصحیح محمد

- خواجوی، تهران: موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.
- خواجه‌سوی، کوروش (۱۳۹۳ ش). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: انتشارات سوره مهر
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). *کتاب العین*. قم: انتشارات هجرت.
- فیبومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. قم: موسسه دارالهجره.
- قربانی لاکتراشانی، فاطمه؛ حسینی، زینب السادات، قراملکی، احد فرامرز (۱۳۹۹ ش) «گسست یا پیوست میان خدا و انسان، معناشناسی متن‌های «قرب» در قرآن کریم». *مجله زبان شناختی اصفهان*، دوره ۹ (شماره دوم). صص ۱۹۵-۲۱۲.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ ش). *قاموس قرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- مرعشی، قاضی نور الله (۱۴۰۹ ق). *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*. مقدمه و تعلیقات از آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴ ش). *به سوی خودسازی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۳ ش). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: انتشارات سوره مهر
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۳ ق). *طریق عرفان (ترجمه رساله الولایه)*، قم: بخشایش.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵ ش). *تفسیر جوامع الجامع*. ترجمه احمد امیری شادمهری و عبدالعلی صاحبی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ ش). *مجمع البحرین*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴ ش). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*. تهران: نشر اسماعیلیان.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ ش). *التحقیق فی کلمات القرآن*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ ق). *بیان المعانی*. دمشق: مطبعة الترقی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ ش). *مجموعه آثار شهید مطهری*. ج هفتم، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ ق). *بیان المعانی*. دمشق: مطبعة الترقی.
- نسفی، ابوحفص نجم‌الدین محمد (۱۳۶۷ ش). *تفسیر نسفی*. تحقیق: دکتر عزیزالله جوینی، تهران: انتشارات سروش.

